

## هفت قانون معنوی موفقیت

اگر چه عنوان این مطلب هفت قانون معنوی موفقیت است، می توان آن را هفت قانون معنوی زندگی نامید زیرا همان اصولی را عرضه می کند که طبیعت برای آفرینش هر چیز در بعد مادی - هر آنچه می بینیم و می شنویم و استشمام می کنیم، مزه می کنیم و لمس می کنیم - از آنها سود می جوید.

موفقیت در زندگی را می توان به صورت گسترش مداوم شادمانی و تحقق فراینده هدف های ارزشمند تعریف کرد. موفقیت یعنی این توانایی که آرزوهایتان را با سهولت و بی تکاپو برآورده سازید. با این حال موفقیت - از جمله آفرینش ثروت - همواره به صورت فرایندی مستلزم سختکوشی و اغلب به بهای صدمه زدن به دیگران پنداشته شده است. نیاز داریم نسبت به موفقیت و فراوانی، نگرشی معنوی تر داشته باشیم که به معنای جریان فراوان همه موهبت های نیکوست. با وقوف به قانون معنوی و کاربرد آن، خود را در هماهنگی با طبیعت قرار می دهیم و سبکبالی و شادمانی و عشق می آفرینیم.

اکنون بیایید به سراغ هفت قانون معنوی موفقیت برویم و ببینیم چگونه می توانیم آنها در زندگیمان به کار ببریم.

### ۱- قانون توانایی مطلق:

نخستین قانون موفقیت، قانون توانایی مطلق است. این قانون مبتنی بر این واقعیت است که ما - در جوهر - آگاهی مطلقیم. آگاهی مطلق، توانایی مطلق و حیطه تمامی امکانات و خلاقیت نامحدود است. آگاهی مطلق جوهر معنوی ماست. همچنین بیکران و نامحدود بودن، شادمانی محض است. سایر ویژگی های آگاهی عبارتند از دانش مطلق، سکوت بی انتها، تعادل کامل، شکست ناپذیری، سادگی و بهجت. و این طبیعت بنیادی ماست. طبیعت بنیادی ما، یکی از توانایی های مطلق است. وقتی طبیعت بنیادی خود را کشف می کنید و در می یابید به راستی کیستید، خود آن شناخت یعنی توانایی برآورده شدن و برآورده ساختن هر رویایی که دارید، زیرا قدرت و امکان جاودانید: آن قدرت قیاس ناپذیر که بوده و هست و خواهد بود. قانون توانایی مطلق را می توان قانون وحدت نیز خواند زیرا در کثرت نامحدود حیات، وحدت جانی یگانه نهفته و همه چیز را فرا گرفته است. میان شما و این حیطه نیرو، ذره ای جدایی وجود ندارد. حیطه توانایی مطلق، ضمیر خودتان است و هر چه طبیعت راستین خود را بیشتر تجربه کنید، به حیطه توانایی مطلق نزدیکتر خواهید بود.

چگونه می توانیم قانون توانایی مطلق را در زندگیمان بکار بندیم؟ اگر می خواهید از منافع حیطه توانایی مطلق محفوظ شوید و از تمامی خلاقیتی که جزو لاینفک آگاهی مطلق است به طور کامل سود جوید، باید بتوانید به



آن دسترسی پیدا کنید. یکی از راه های دستیابی به این حیطة، تمرین روزانه سکوت و مراقبت و عدم داوری است. صرف زمانی در طبیعت نیز می تواند موجب دستیابی به ویژگی های لاینفک این حیطة - خلاقیت و آزادی و بهجت بیکران - شود.

## ۲- قانون بخشایش:

دومین قانون معنوی موفقیت قانون بخشایش است. این قانون را می توان قانون داد و ستد نیز خواند. زیرا کائنات از طریق مبادله پویا عمل می کند. هیچ چیز ایستا نیست. جسمتان در حال مبادله پویا و مداوم با جسم کائنات است. ذهنتان به طرزی پویا با ذهن کیهان ارتباط متقابل دارد. نیرویتان نمایانگر انرژی کیهانی است جریان حیات هیچ نیست مگر ارتباط متقابل و هماهنگ همه عناصر و نیروهایی که به صورت قانون بخشایش عمل می کند.

چون جسم و ذهنتان و کائنات در مبادله پویا و مداومند، بند آوردن جریان نیرو مانند بند آوردن جریان خون است. هرگاه خون از جریان باز ایستد دچار احتقان و گرفتگی و ایستایی می شود. به این دلیل باید ببخشاید و بستانید تا بتوانید ثروت و فراوانی - یا هر چه را که در زندگی خواهانید - در زندگیتان در جریان نگه دارید. هر چه بیشتر - ببخشید، بیشتر دریافت می کنید. زیرا فراوانی کائنات را در زندگیتان در جریان نگه می دارید. در واقع، هر آنچه که در زندگی ارزش داشته باشد فقط زمانی فزونی می یابد که بخشیده شود. آنچه در اثر بخشیدن افزایش نیابد، نه ارزش بخشیدن دارد و نه ارزش دریافت کردن، چنانچه با عمل بخشیدن احساس کنید که چیزی را از دست داده اید واقعا آن هدیه را نداده اید و موجب افزایش آن نخواهد شد. اگر با اکراه ببخشاید، نیرویی در پس آن بخشایش وجود ندارد.

## ۳- قانون «کارما» یا علت و معلول:

سومین قانون معنوی موفقیت، قانون کارماست. «کارما» هم عمل است و هم نتیجه عمل؛ هم علت است و هم معلول، زیرا هر عملی نیرویی را تولید می کند که به همان شکل به ما باز می گردد. درباره قانون کارما چیز ناشناخته ای وجود ندارد. همه این اصطلاح را شنیده اند که: «هر چه بکاری همان را درو می کنی» بدیهی است اگر بخواهیم در زندگیمان شادمانی ایجاد کنیم، باید بیاموزیم که بذرشادمانی را بکاریم. بنابراین مفهوم ضمنی «کارما» انتخاب آگاهانه است. ما اساسا انتخاب کنندگانی نامحدودیم. بعضی از این انتخاب ها آگاهانه اند و مابقی به طور ناخودآگاه صورت گرفته اند.



اما بهترین راه برای فهمیدن و به حداکثر رساندن استفاده از قانون کارما، هوشیاری آگاهانه از انتخاب های هر لحظه است. هر آنچه که در این لحظه پیش می‌آید نتیجه انتخاب هایی است که در گذشته به آن دست زده اید. بدبختانه، بسیاری از ما به طور ناخودآگاه انتخاب می‌کنیم. بنابراین فکر نمی‌کنیم که آنها انتخاب بوده اند، حال آنکه بوده اند، اگر به شما توهینی شده به احتمال زیاد انتخاب می‌کردید که بربخشید.

اگر شما را تحسین می‌کردند، به احتمال زیاد انتخاب می‌کردید که خشنود شوید یا به خود ببالید. اما درباره اش ببینید. همچنان یک انتخاب است. اگر لحظه ای گامی به پس بردارید و در لحظه ای که به انتخاب دست می‌زنید به آن بنگرید، آنگاه این نظاره کردن سبب می‌شود که کل فرآیند را از حیطة ناهشیار به حیطة هشیار بیاورید، این روش انتخاب آگاهانه و نظاره آن بسیار قدرت بخش است.

#### ۴- قانون کمترین تلاش:

این قانون مبتنی بر این واقعیت است که هوشمندی طبیعت با سهولت، بی‌تکاپو و با سبک دلی پذیرا عمل می‌کند. این اصل کمترین عمل و عدم مقاومت است. از این رو، این اصل هماهنگی و عشق است.

هر گاه این درس را از طبیعت بیاموزیم به آسانی آرزوهایمان را برآورده می‌سازیم. اگر کار طبیعت را نظاره کنید، خواهید دید که کمترین تلاش را بکار می‌برد. علف نمی‌کوشد رشد کند، فقط رشد می‌کند. ماهی نمی‌کوشد شنا کند، فقط شنا می‌کند. پرنده ها نمی‌کوشند پرواز کنند، فقط پرواز می‌کنند. این طبیعت فکری آنهاست و این طبیعت انسان است که رویاهایش را به آسانی و بی‌تلاش به صورت اجسام متجلی سازد.

در حکمت کهن هند، این اصل را به صورت اصل اقتصاد تلاش یا «کمتر عمل کن و بیشتر به انجام برسان» شناخته اند. سرانجام به جایی می‌رسید که هیچ نمی‌کنید و همه چیز را به انجام می‌رسانید.

این بدان معناست که فقط آرمانی کم‌رنگ وجود دارد و آنگاه تجلی آرمان بدون تلاش صورت می‌گیرد. آنچه که معمولاً «معجزه» خوانده می‌شود عملاً نمایانگر قانون کمترین تلاش است.

کمترین تلاش زمانی روی می‌دهد که انگیزه اعمالتان عشق باشد، زیرا آنچه که موجب انسجام طبیعت می‌شود نیروی عشق است. وقتی جویای قدرت هستید و می‌خواهید اختیار سایر مردم را به دست بگیرید، نیرو را به هدر می‌دهید. وقتی محض خاطر «من» پول یا قدرت می‌جوئید، به جای کامجویی از شادمانی همین لحظه، نیرویتان را صرف دوری از شادمانی می‌کنید. وقتی پول را فقط برای منافع شخصی می‌جوئید، حرکت نیرویی را که باید به سوی شما جریان یابد بند می‌آورید و در بیان هوشمندی طبیعت مداخله می‌کنید. اما هر گاه انگیزه



اعمالتان عشق باشد، نیرو به هدر نمی رود. هرگاه انگیزه اعمالتان عشق باشد، نیرویتان چندین برابر گردآوری می شود و نیروی مازادی که گرد می آورید و از آن شاداب می شوید می تواند در راه آفرینش هر چه بخواهید مصرف شود.

## ۵- قانون قصد و آرزو:

این قانون مبتنی بر این واقعیت است که در هر نقطه طبیعت، انرژی و اطلاعات وجود دارد. در واقع، در سطح حیطه کوآنتوم هیچ چیز جز اطلاعات و انرژی وجود ندارد. حیطه کوآنتومی فقط نامی دیگر برای حیطه آگاهی مطلق یا توانایی مطلق است و از طریق قصد و آرزو می توان بر این حیطه کوآنتومی اثر نهاد.

در سطح مادی، هم شما و هم درخت از عناصر تبدیل شده یکسانی ساخته شده اید، بیشتر از کربن و هیدروژن و اکسیژن و نیتروژن. در واقع، شما و درخت به طور مداوم کربن و اکسیژن خود را با یکدیگر مبادله می کنید. تفاوت راستین میان شما دو تن، در انرژی و اطلاعات شماست. انسان سلسله اعصابی دارد که می تواند از محتوای انرژی و اطلاعاتی آن حیطه کانونی که موجب استعلاهی جسم فیزیکی می شود آگاه شود. آنچه در مورد سلسله اعصاب انسان در خور توجه است این است که می تواند از طریق قصد آگاهانه به قدرت نظام دهنده نامحدود فرمان دهد. قصد در نوع انسان به یک شبکه خشک و سرسخت انرژی و اطلاعات، بسته و محدود نیست. به عبارت دیگر، مادامی که از سایر قوانین طبیعت تخلف نورزید، عملاً از طریق قصدتان می توانید به قوانین طبیعت فرمان دهید تا رویاها و آرزوهایتان را برآورد. قصد زمینه کار را برای جریان بی تکاپو و خودانگیخته و بی اصطکاک حیطه توانایی مطلق که جویای تجلی از نامتجلی است آماده می کند. تنها هشدار این است که قصدتان را برای خیر و صلاح بشریت بکار ببرید و این امر هنگامی که با هفت قانون معنوی موفقیت همنا باشد، خود به خود رخ می دهد.

## ۶- قانون عدم دلبستگی:

قانون عدم دلبستگی می گوید که برای حصول هر چیز درعالم مادی، باید از دلبستگی خود به آن دست بکشید. این بدان معنا نیست که از قصد آفرینش آرزوهایتان دست می کشید. از قصد و آرزویتان دست نمی کشید. از دلبستگی به ثمره آن دست می کشید. این عمل بسیار قدرتمند است. لحظه ای که دلبستگی به ثمره را رها می کنید، صاحب آنی خواهید شد که آرزومندید. هر آنچه که خواهانید می تواند از طریق عدم دلبستگی به دست آید، زیرا عدم دلبستگی مبتنی بر اعتقاد بی تردید به قدرت ضمیر راستین خودتان است. قانون عدم دلبستگی، کل فرآیند تکامل را سرعت می بخشد. هرگاه این قانون را دریابید، احساس نخواهید کرد



که ناچارید راه حل ها را تحمیل کنید. وقتی راه حل ها را به مشکلات تحمیل می کنید، فقط مشکلات تازه ایجاد خواهید کرد. اما وقتی توجهتان را به عدم یقین معطوف می کنید، امیدوارانه منتظر می شوید تا از میان اغتشاش و آشفتگی، راه حل شکوفا نشود، آنگاه آنچه شکوفا می شود چیزی بی همتا و هیجان انگیز خواهد بود.

## ۷- قانون «دارما» یا غایت حیات:

«دارما» به زبان سانسکریت یعنی «غایت حیات». طبق این قانون صاحب استعدادی بی همتا و به شیوه ای بی همتا آن را بیان و عیان می کنید. کاری هست که بهتر از هر کس دیگر در این جهان می توانید آن را به انجام برسانید و برای هر استعداد بی همتا و شیوه بیان بی همتای آن استعداد نیز نیازهای بی همتا وجود دارند. وقتی این نیازها با بیان خلاق استعدادتان مطابقت کنند، جرقه ای است که فراوانی می آفریند.

قانون دارما سه جزء دارد:

نخستین جزء می گوید که هر یک از ما اینجاییم تا ضمیر راستین خویش را کشف کنیم و دریابیم که ضمیر راستین ما معنوی است و اساسا موجوداتی معنوی هستیم.

جزء دوم، نمایان ساختن استعدادهای یکتای ماست قانون دارما می گوید که هر انسان دارای استعدادی بی همتاست.

جزء سوم، خدمت به بشریت است. خدمت به هموعان و پرسیدن این سوال از خود که «چگونه می توانم کمک کنم؟» وقتی توانایی بیان استعداد یکتای خود را با خدمت به بشریت می آمیزید، آنگاه قانون دارما را به طور کامل به اجرا در می آورید و همراه با تجربه معنوی خویش، امکان پذیر نیست که به فراوانی نامحدود دست نیابید، زیرا راه راستین دستیابی به فراوانی همین است.

کامیاب باشید

برگرفته از سایت <http://www.mardomsalari.com/>

